

بررسی تطبیقی وضعیت زنان در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال افریقا

یعقوب فروتن^{۱*}، مینا شجاعی^۲

چکیده

وضعیت زنان در چند دهه اخیر در بیشتر نقاط دنیا پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. با این حال، شکاف جنسیتی هنوز در بسیاری از جوامع وجود دارد. این پژوهش، با استفاده از شاخص‌های بین‌المللی سنجش وضعیت زنان، به بررسی تطبیقی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال افریقا از حیث توسعه جنسیتی، نابرابری و شکاف جنسیتی می‌پردازد. روش این پژوهش تحلیل ثانویه داده‌های بین‌المللی است که به دو روش تحلیل توصیفی اکتشافی و تحلیل خوشه‌ای انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل‌های این تحقیق در خصوص وضعیت این کشورهای اسلامی بر دو الگوی اصلی تأکید دارد: اول آنکه، چنانچه مجموعه این کشورها را به‌عنوان یک کل در نظر بگیریم، شکاف جنسیتی میان آن‌ها به مراتب بیشتر و برجسته‌تر از سایر نقاط جهان است. دوم آنکه، تحلیل‌های تفصیلی این پژوهش نیز نشان‌دهنده تنوع و تفاوت‌های قابل ملاحظه بین این کشورهاست؛ به طوری که می‌توان آن‌ها را براساس وضعیت زنان در سه شاخص بین‌المللی به پنج گروه مجزا تقسیم کرد. در این گروه‌بندی، کشورهای قطر و کویت در دسته یک، کشورهای امارات متحده عربی، تونس، بحرین، عمان، عربستان سعودی و لیبی در گروه دوم، کشورهای لبنان، ترکیه و الجزایر در گروه سوم، کشورهای ایران، سوریه، اردن، مصر، مراکش، پاکستان و عراق در گروه چهارم و یمن و افغانستان در گروه پنجم قرار می‌گیرند. بر این اساس، به نظر می‌رسد برای تبیین و شناخت دقیق وضعیت زنان در این کشورها، توجه به تفاوت‌های متعدد و ناهمسانی آن‌ها، هم در وضعیت کنونی و هم در روند تحولات وضعیت زنان در سه دهه گذشته، ضروری است.

کلیدواژگان

خاورمیانه و شمال افریقا، شکاف جنسیتی، کشورهای اسلامی، مشخصه‌های اقتصادی-اجتماعی. وضعیت زنان،

۱. دانشیار جمعیت‌شناسی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه مازندران

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی - مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه مازندران

y.foroutan@umz.ac.ir

shojaemina@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۱۸

مقدمه و بیان مسئله

تقریباً در همه دنیا و در تمامی جنبه‌های زندگی انسان، اعم از اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، تفاوت‌های جنسیتی معطوف به هژمونی مردانه همواره وجود داشته است. طی دهه‌های اخیر، تحولات عمیق و وسیع اقتصادی و اجتماعی به تغییرات مثبتی در وضعیت زنان در برخی از کشورها منجر شده است. همراه شدن فعالیت‌های جنبش‌های استیفای حقوق زنان در برخی کشورهای پیشرفته با فرایند توسعه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و اقدامات سازمان‌های بین‌دولتی بین‌المللی، همچون سازمان ملل متحد، مبنای نظری و راهکارهای تجربی برای تبیین نقش زنان در فرایند توسعه و بهره‌مندی آنان از فواید آن را فراهم کرد.

کاربست این مبانی نظری در قالب سیاست‌های عملی این امکان را فراهم می‌کند تا از یک طرف از پتانسیل زنان به‌عنوان نیمی از نیروی مولد جامعه برای دستیابی به اهداف توسعه استفاده شود و از طرف دیگر زنان نیز با برخورداری از حقوق و پایگاه اجتماعی بالاتر و دسترسی برابر به منابع و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، از منافع و فواید توسعه در کشورشان بهره‌مند شوند. آمارها نشان می‌دهد که هنوز در هیچ نقطه دنیا زنان نتوانسته‌اند به فرصت‌ها و منابع برابر مردان دسترسی داشته باشند و به‌عبارتی ایده برابری جنسیتی هنوز محقق نشده است. اما وضعیت زنان در همه‌جای دنیا یکسان نیست. کشورهای توسعه‌یافته در دستیابی به برابری جنسیتی موفق‌تر بوده‌اند و زنان در این کشورها در مقایسه با زنان در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیشتری برخوردارند [۴]. در میان کشورهای در حال توسعه، زنان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا وضعیت نامناسب‌تری نسبت به سایر کشورها دارند [۲۵؛ ۲۶].

اکثر شاخص‌های بین‌المللی سنجش وضعیت زنان، که نابرابری جنسیتی را در مؤلفه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و سلامت می‌سنجند، مانند شاخص توسعه جنسیتی^۱، شاخص نابرابری جنسیتی^۲ و شاخص شکاف جنسیتی^۳ نیز مؤید وجود نابرابری جنسیتی بیشتر در این کشورها در مقایسه با سایر کشورهای جهان است؛ به‌طوری‌که بیشتر کشورهای این منطقه بالاترین رتبه‌ها (کمترین نمره‌ها) را در شاخص‌های وضعیت زنان در بین همه کشورهای کسب می‌کنند [۲۵؛ ۲۸].

در خصوص ترسیم وضعیت عمومی زنان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، بین پژوهش‌گران اتفاق نظر و درعین حال، در تبیین علل آن، اختلاف‌نظرهای اساسی وجود دارد [۵]. برخی پژوهش‌گران اقتصاد مبتنی بر نفت را عامل اساسی پایین‌تر بودن جایگاه زنان در

1. Gender Related Development Index (GDI)
2. Gender Inequality Index (GII)
3. Gender Gap Index (GGI)

این کشورها می‌دانند [۱؛ ۱۰؛ ۱۴؛ ۲۱]. درحالی‌که برخی دیگر بر تأثیر دین آن‌ها تأکید می‌کنند [۲۰]. عده‌ای از پژوهش‌گران هم معتقدند که عامل اساسی نابرابری جنسیتی در این کشورها ایدئولوژی پدرسالاری است که از طریق مکانیسم‌های رسمی جامعه‌پذیری، درونی و نهادینه می‌شوند [۱۰؛ ۱۲؛ ۱۳؛ ۱۶؛ ۱۹].

این مقاله، ابتدا در پی شناسایی الگوهای متنوع نابرابری جنسیتی موجود- که به تضعیف وضعیت زنان در اشکال مختلف منجر می‌شود- و سپس کشف پویایی کشورهای این منطقه از حیث تغییر در وضعیت زنان است. همچنین، می‌کوشد به این سؤال‌ها پاسخ دهد:

۱. آیا بین کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر نابرابری جنسیتی تفاوت‌های بارزی وجود دارد، به نحوی که بتوان آن‌ها را از این نظر به چند دسته مجزا تقسیم کرد؟

۲. چه الگوهایی در روند تغییر نابرابری جنسیتی در این کشورها قابل شناسایی است؟ پاسخ به سؤالات اساسی این پژوهش، زمینه مناسبی را برای انجام پژوهش‌های تحلیلی تبیینی با هدف شناسایی علل شباهت‌ها و تفاوت‌های کشف‌شده و در نتیجه شناخت عمیق‌تر وضعیت زنان در کشورهای اسلامی منطقه فراهم می‌کند.

دیدگاه‌های نظری و مطالعات تجربی

واکاوی مطالعات تجربی

وضعیت زنان مفهومی چندبعدی است و برای مطالعه آن باید به ابعاد مختلف این مفهوم توجه کرد. میسون^۱ (۱۹۸۶) وضعیت زنان را شامل سه بعد جداگانه منزلت، قدرت و خودمختاری^۲ می‌داند. در بیشتر جوامع، زنان نسبت به مردان منزلت اجتماعی پایین‌تر، قدرت، کنترل و خودمختاری کمتری داشته‌اند و همین امر به تضعیف جایگاه آنان منجر شده است. در پژوهش‌ها از شاخص‌های متنوعی برای سنجش وضعیت زنان استفاده می‌شود که معمولاً از ترکیب دو یا چند معرف ساخته می‌شوند. در تعریفی عام، وضعیت زنان براساس سنجش میزان دسترسی آنان به فرصت‌ها و منابع و همچنین قدرت تصمیم‌گیری و کنترل آنان بر منابع در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و سلامتی سنجیده می‌شود. در بعد اقتصادی، وضعیت زنان براساس میزان دسترسی زنان به منابع اقتصادی، مالکیت منابع مادی، مشارکت در بازار کار، اشتغال به کار تمام‌وقت مزدی، برابری دست‌مزدها، حضور در مناصب مدیریتی و مشاغل حرفه‌ای و فنی به‌عنوان معرف‌های وضعیت زنان در بعد اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. در بعد سیاسی، حضور در

1. Mason
2. autonomy

مناصب وزارتی و کرسی‌های مجلس؛ در بعد سلامتی و بهداشت، امید به زندگی، بهداشت باروری، نرخ مرگ‌ومیر ناشی از زایمان و...؛ و در بعد اجتماعی هنجارهای رسمی و غیررسمی مرتبط با روابط و نقش‌های جنسیتی، ازدواج و طلاق و ساختار خانواده و قوانین مالکیت، ارث، حضانت، طلاق و... و همچنین دسترسی به آموزش تجزیه و تحلیل می‌شوند.

گزارش‌های سالیانه سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، بانک جهانی و مجمع جهانی اقتصاد، که با تمرکز بر نابرابری جنسیتی و وضعیت زنان در همه کشورهای انجام می‌شود، به روشنی نشان می‌دهد که زنان در کشورهای واقع در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا نسبت به سایر نقاط دنیا در وضعیت پایین‌تری قرار دارند. از بین ۱۰ کشوری که در طول ۴۰ سال بیشترین رشد را در شاخص توسعه انسانی در دنیا داشته‌اند، ۵ کشور عربستان سعودی، تونس، عمان، مراکش و الجزایر در این منطقه قرار دارند [۲۷]. شایان ذکر است که اغلب کشورهای که در ابتدا نمرات بسیار پایینی در شاخص توسعه انسانی کسب کرده بودند، شاهد رشد بیشتری بوده‌اند. اگرچه کشورهای این منطقه در سال‌های اخیر در توسعه انسانی و به‌خصوص در مؤلفه‌های آموزش و سلامت زنان رشد چشمگیری داشته‌اند، پیشرفت آن‌ها در مؤلفه‌های مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان بسیار پایین است [۲۶؛ ۲۷؛ ۲۹].

به‌طور کلی در مطالعه مناسبات بین دین و جنسیت این فرض وجود دارد که دین با ارزش‌ها، اعتقادات و نگرش‌های سنتی مرتبط با نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی هم‌سوئی دارد [۵]. یوسف^۱ (۱۹۷۱) ضمن تأکید بر اینکه وضعیت مشارکت زنان در بازار کار در کشورهای در حال توسعه اسلامی پایین‌تر از کشورهای در حال توسعه امریکای لاتین، مثل شیلی و مکزیک، است، در بررسی علل این وضعیت بر هنجارهای مرتبط با روابط جنسیتی^۲ تأکید می‌کند. از نظر وی، کناره‌گیری^۳ اختیاری زنان از موقعیت‌هایی که در آن مردان حضور دارند و اثر متقابل آن با محرومیت‌هایی^۴ که مردان برای حضور زنان در فضای عمومی^۵ ایجاد می‌کنند، باعث می‌شود زنان در کشورهای اسلامی به‌طور سیستماتیک از بازار کار حذف شوند. فروتن (۲۰۰۹) معتقد است در فرهنگ اسلامی محدودیتی برای زنان برای پیگیری اهداف و نیازهای مشروع وجود ندارد، ولی بحث اولویت‌بندی نیازها و اهداف، که براساس تقسیم جنسیتی سنتی کار صورت می‌گیرد، تعیین‌کننده حضور آنان در بازار کار است. وی در پژوهشی دیگر (۲۰۱۵) تأکید می‌کند که برای فهم صحیح وضعیت زنان مسلمان و شناخت علت‌های اساسی وضع موجود آنان، باید به زمینه فرهنگی و اجتماعی جوامع آنان توجه کرد [۹]. در همین ارتباط، اسپرینگز^۶ (۲۰۱۰) نشان

1. Nadia H. Youssef
2. gender relations norms
3. seclusion
4. exclusion
5. public sphere
6. Niels Spierings

می‌دهد که تقسیم کار جنسیتی سنتی، که با الگوی «مرد نان‌آور و زن خانه‌دار» شناخته می‌شود، وظیفه و اولویت اول زنان را امور مربوط به خانه‌داری و مراقبت از کودکان تعریف می‌کند و همین نظام تقسیم کار باعث کاهش مشارکت زنان در بازار کار می‌شود. از این رو، ساختار خانوادگی (تعداد فرزندان خردسال یا افراد مسن، تعداد مردان بزرگسال در خانواده و...) بر میزان اشتغال زنان تأثیرگذار است. پرایس^۱ (۲۰۱۱) در تأکید بر مؤلفه‌های فردی متأثر از فرهنگ، دینداری را عامل مهمی در نگرش سنتی به اشتغال زنان می‌داند. از طرفی، الکساندر و ولزل^۲ (۲۰۱۱) معتقدند اگرچه مسلمانان به‌طور کلی بیش از پیروان سایر ادیان به ارزش‌های پدرسالاری^۳ باور دارند، از این حیث جمعیتی یکسان و یکنواخت نیستند، بلکه میزان باور به این ارزش‌ها بین گروه‌های مختلف و جوامع مختلف مسلمانان متفاوت است. این انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که ارزش‌های پدرسالاری در جوامع اسلامی مستعد پذیرش تغییر باشند. از این رو، نمی‌توان اعتقاد به نظام پدرسالاری را بخشی از هویت این جوامع تلقی کرد.

راس^۴ (۲۰۰۸) استدلال مهم دیگری در تبیین جایگاه زنان در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ارائه کرده است. وی معتقد است در اقتصاد مبتنی بر نفت، نیاز بازار به کار زنان کاهش پیدا می‌کند. در نتیجه، مشارکت اقتصادی و سیاسی زنان کاهش پیدا می‌کند و به‌رغم رفاه اقتصادی بالا، هنجارها و قواعد نظام پدرسالاری در آن‌ها به همان قوت گذشته باقی می‌ماند و در مجموع باعث عدم بهبود وضعیت زنان می‌شود. به همین دلیل است که وضعیت زنان در کشورهای خاورمیانه که منابع نفتی دارند پایین‌تر از کشورهای بدون منابع نفت است. باین حال، قوبگ^۵ (۲۰۱۵)، با استدلالی مشابه، نظر راس در مورد تأثیر مهم اقتصاد نفتی در تضعیف وضعیت زنان را رد می‌کند. قوبگ با ارجاع به وضعیت زنان در کشورهای مثل افغانستان و پاکستان، که در مقایسه با کشورهای عرب خلیج فارس ذخایر نفتی ناچیزی دارند، نشان می‌دهد که وجود گرایش‌های افراطی دینی در این کشورها عامل اصلی عدم دستیابی زنان به حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است.

دیدگاه‌های نظری

از آغاز توجه به زنان و نقش آنان در فرایند توسعه در چند دهه اخیر، دیدگاه‌های نظری متعددی برای تبیین تأثیر و تأثر زنان از فرایند توسعه مطرح شده است. به‌طور کلی، عبور از فرایند توسعه باعث بهبود شرایط اقتصادی و کاهش فساد مالی یا فقر در بعضی از کشورهای

1. Anne M.Price
2. Amy C Alexander & Christian Welzel
3. patriarchy
4. Michael L.Ross
5. Lasse Lykke Rørbæk

جهان شده است. اگرچه توجه به تحقق اهداف توسعه وجود نابرابری‌های جغرافیایی و جنسیتی موجود در آن را آشکار می‌کند، در دو دهه نخست توسعه، که سازمان ملل متحد اعلام کرده بود، معلوم شد که گستره فقر، بیماری، بی‌سوادی و بیکاری در برخی مناطق افزایش پیدا کرده است. حتی در دهه زن^۱، «دگرگونی زیادی در نگرش‌های پدرسالارانه‌ای که تسلط مردانه را نهادینه کرده‌اند پدید نیامد و در برخی نواحی، فرایند مدرنیته با بازگشت به انقیاد شدید زنان همراه بود» [۶، ص ۱۲]. همچنین، ثابت شد که توسعه اقتصادی به خودی خود نمی‌تواند با نفوذ به پایین فقر را ریشه کن کند. از این‌رو، مسئله توزیع و برابری منافع برای قشرهای گوناگون، از جمله زنان، اهمیت زیادی پیدا کرد [همان]. در ذیل، برخی از دیدگاه‌های مهم نظری در این ارتباط به‌طور اجمالی مرور می‌شوند:

۱. دیدگاه زنان در توسعه:^۲ این نگرش پس از اثبات عدم کفایت نگرش رفاه در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. هدف از این نگرش درگیرکردن زنان در توسعه اقتصادی از راه اجرای طرح‌های درآمدزا برای زنان بود. اما این برنامه‌ها در کاهش فقر زنان موفق نبودند [همان]. نظریه‌پردازان این دیدگاه معتقد بودند که زنان جهان سوم خارج از روند توسعه مانده‌اند. این رویکرد با قبول ساختارهای اجتماعی و قدرت موجود، برای بهبود وضعیت زنان در چارچوب وضع موجود تلاش می‌کند [۱۷].
۲. دیدگاه زنان و توسعه:^۳ این دیدگاه نیز در میانه دهه ۱۹۷۰ در کنفرانس جهانی زن، که از سوی سازمان ملل متحد در مکزیکوسیتی برگزار می‌شد، ارائه شد. درحالی‌که سایر دیدگاه‌ها، توسعه را وسیله‌ای برای بهبود وضعیت زنان در نظر می‌گرفتند، این دیدگاه معتقد است که توسعه فقط با مشارکت فعال زنان امکان‌پذیر است. آن‌ها معتقدند که زنان همیشه بخش جدایی‌ناپذیر توسعه بوده‌اند. بر این اساس، تفاوت عمده دیدگاه «زنان در توسعه» با دیدگاه «زنان و توسعه» در این است که در این دیدگاه، به جای تمرکز صرف بر ارتباط زنان با توسعه، بر روابط پدرسالارانه و سرمایه‌داری تأکید می‌کند و مسئله زنان را با رویکرد نئومارکسیستی و تئوری وابستگی تحلیل می‌کند [همان]. درواقع، طرفداران این دیدگاه معتقدند که مهم‌تر از نابرابری، فقر فراگیر و آثار نظام سرمایه‌داری است.
۳. دیدگاه جنسیت و توسعه:^۴ پس از شکست دیدگاه «زنان در توسعه»، دیدگاه دیگری با عنوان جنسیت و توسعه مطرح شد. تحلیل‌گران جنسیتی با بهره‌گیری از فعالیت سیاسی طرفداران حقوق زنان، زنان را به‌منزله عاملان تغییر و تحول قلمداد می‌کردند و از دیدگاه «زن در توسعه» به دلیل اینکه زنان را گروهی متجانس و همگن تلقی می‌کرد انتقاد

۱. سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۵ از سوی سازمان ملل متحد با عنوان «دهه زن» نام گرفت.

2. women in development
3. women and development
4. gender and development

کردند. در این رویکرد، به جای زنان، روابط جنسیتی به منزله مقوله عمده تحلیل در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد، برخلاف دیدگاه «زنان در توسعه» و «زنان و توسعه»، دولت را به منزله عامل مهم ارتقای آزادی زنان می‌داند [۳].

در این دیدگاه، نیازهای عملی جنسیتی، یعنی مواردی که زندگی زنان را در نقش‌های موجودشان بهبود می‌بخشد، از نیازهای راهبردی جنسیتی که موجب افزایش توانایی زنان برای پذیرش نقش‌های جدید و توانمندسازی آن‌ها می‌شود، جدا در نظر گرفته می‌شود [۶، ص ۱۵].

۴. دیدگاه جریان‌سازی جنسیتی:^۱ این مفهوم برای اولین بار در کنفرانس بین‌المللی زنان در سال ۱۹۸۵ در نایروبی کنیا مطرح شد، اما پس از اعلام و تأیید برنامه عمل در کنفرانس جهانی زنان در پکن در سال ۱۹۹۵ به صورت رسمی پذیرفته شد. جریان‌سازی جنسیتی می‌کوشد نقاط قوت نگرش‌های مبتنی بر کارایی (که در آن بر نقش مؤثر زنان در توسعه تأکید می‌کند) و توانمندسازی را (که بر افزایش مشارکت مردان و زنان در تصمیم‌سازی توسعه از طریق توانمندسازی تأکید می‌کند) با زمینه جریان اصلی توسعه ترکیب کند [همان]. این رویکرد در واقع نوعی راهبرد برای دستیابی به هدف برابری جنسیتی است. این رویکرد عبارت است از فرایند ارزیابی همه اقدامات برنامه‌ریزی شده شامل قوانین، سیاست‌ها و برنامه‌ها در همه حوزه‌ها و در همه سطوح براساس دلالت‌های آن‌ها برای زنان و مردان. با این راهبرد، دغدغه جنسیت در همه جنبه‌های توسعه و برای همه بخش‌ها و حوزه‌های عمل وجود دارد و بخش بنیادین و جدایی‌ناپذیر فرایند برنامه‌ریزی محسوب می‌شود. از طرفی، مسئولیت اجرای سیاست‌های جنسیتی برای همه ساختارهای سازمانی ضروری است و به یک واحد مشخص محدود نمی‌شود. به این ترتیب، زنان و مردان از فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به یک اندازه بهره‌مند می‌شوند و از تداوم نابرابری جنسیتی جلوگیری می‌شود. بر این اساس، تلاش می‌شود با در نظر گرفتن برابری جنسیتی در کلیه فرایندهای اجرایی، مالی و نیروی انسانی، با گذر زمان تحولاتی در اهداف، نگرش‌ها و فرهنگ سازمانی ایجاد شود [۱۵] و به این طریق و به کمک سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و بانک جهانی، ملاحظات جنسیتی در درون سازمان‌ها و جامعه نهادینه شود.

این پژوهش در چارچوب دیدگاه جریان‌سازی جنسیتی، تحولات وضعیت زنان و میزان تحقق برابری جنسیتی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، پس از گذشت چندین سال از آغاز فرایند توسعه، را در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بررسی می‌کند.

روش پژوهش

برای شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا از منظر وضعیت زنان، در این پژوهش تطبیقی، از روش تحلیل ثانویه داده‌های بین‌المللی استفاده شده است که با دو روش تحلیل اکتشافی توصیفی^۱ و روش تحلیل خوشه‌ای^۲ تجزیه و تحلیل شدند. کشورهای مورد نظر برای تحلیل شامل ۲۱ کشور اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که عبارت‌اند از: قطر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، عمان، لبنان، ایران، اردن، الجزایر، تونس، مصر، فلسطین، عراق، مراکش، سوریه، یمن و لیبی. به‌علاوه، کشورهای افغانستان، پاکستان و ترکیه به دلیل اهمیت همسایگی با ایران در تحلیل‌ها وارد شده‌اند. در سنجش مفهوم وضعیت زنان بر سنجش معرف‌هایی که حاصل دستاوردهای زنان (به‌طور مستقل) است تأکید می‌شود. در مقابل، سنجش نابرابری جنسیتی بر سنجش معرف‌های دستاوردهای زنان و مقایسه با دستاوردهای مردان به‌منزله ملاک و معیار تأکید دارد. برای سنجش وضعیت زنان، داده‌های معتبر و یکسانی که بتوان آن‌ها را در مطالعات تطبیقی کشورها به کار برد در دسترس نیست و آنچه از سوی سازمان‌های بین‌المللی سنجش می‌شود نابرابری جنسیتی است. میزان نابرابری جنسیتی در یک جامعه با وضعیت زنان آن جامعه دارای تناظر است؛ به‌طوری‌که بالا بودن میزان نابرابری جنسیتی نشان‌دهنده ضعیف‌تر بودن جایگاه زنان در آن جامعه است. از این‌رو، در این پژوهش برای سنجش وضعیت زنان از شاخص‌های سنجش نابرابری جنسیتی به‌منزله معرفی برای وضعیت زنان استفاده شد. این شاخص‌ها عبارت‌اند از شاخص بین‌المللی توسعه جنسیتی (GDI)، نابرابری جنسیتی (GII) و شکاف جنسیتی (GGI)، که مقادیر این شاخص‌ها از پایگاه‌های داده سازمان ملل متحد و مجمع جهانی اقتصاد و همچنین گزارش‌های سالیانه این دو نهاد بین‌المللی در سال ۲۰۱۵ استخراج شد. شرح هر یک از این شاخص‌ها در ادامه آمده است.

در سال ۱۹۹۵، دو شاخص برای سنجش وضعیت زنان از سوی برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۳ (UNDP) معرفی شدند. شاخص توسعه انسانی مرتبط با جنسیت (GRDI) یا توسعه جنسیتی (GDI) و شاخص توانمندسازی جنسیتی (GEM). ارائه شاخص توانمندسازی جنسیتی تا سال ۲۰۰۹ ادامه پیدا کرد و از سال ۲۰۱۰ با شاخص نابرابری جنسیتی (GII) جایگزین شد. داده‌های مرتبط با مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این شاخص‌ها از سوی سازمان ملل متحد گردآوری می‌شود و در سایت اینترنتی سازمان ملل و در گزارش‌های سالانه توسعه

1. exploratory descriptive analysis
2. cluster analysis
3. United Nations Development Programme

انسانی سازمان ملل متحد^۱ در دسترس است. شاخص توسعه جنسیتی (GDI)، تفاوت‌های جنسیتی در دستاوردهای توسعه انسانی در سه مؤلفه (بعد) سلامت، آموزش و کنترل بر منابع را نشان می‌دهد. در بعد سلامت، امید به زندگی در بدو تولد برای مردان و زنان، در بعد آموزش، تعداد سال‌های مورد انتظار تحصیل برای دختران و پسران و همچنین میانگین سال‌های تحصیل برای زنان و مردان بالای ۲۵ سال و در بعد کنترل بر منابع اقتصادی، سهم درآمد زنان و مردان از درآمد ناخالص ملی، در نظر گرفته می‌شود. تا سال ۲۰۱۵، در گزارش توسعه انسانی، کشورها بر اساس میزان شاخص GDI رتبه‌بندی می‌شدند، ولی در گزارش سال ۲۰۱۵، کشورها بر اساس میزان انحراف مطلق آن‌ها از برابری جنسیتی در شاخص توسعه انسانی (HDI) به پنج گروه تقسیم شده‌اند. بر این اساس، گروه ۱ شامل کشورهایی است که بیشترین میزان برابری جنسیتی را داشته و میزان انحراف مطلق از برابری جنسیتی آن‌ها کمتر از ۲/۵ درصد است. گروه ۲ کشورهایی هستند که میزان برابری زنان و مردان در دستاوردهای توسعه انسانی در آن‌ها بین متوسط تا زیاد بوده و میزان انحراف مطلق آن بین ۲/۵ تا ۵ است. گروه ۳ کشورهایی هستند که میزان برابری جنسیتی متوسط داشته و انحراف مطلق از برابری بین ۵ تا ۷/۵ است. گروه ۴ شامل کشورهایی است که میزان دستیابی به برابری جنسیتی در شاخص‌های توسعه انسانی در آن‌ها متوسط تا پایین بوده و انحراف مطلق از برابری در آن‌ها بین ۷/۵ تا ۱۰ است. در نهایت، گروه ۵ شامل کشورهایی است که بیشترین میزان نابرابری جنسیتی در دستاوردهای توسعه انسانی را داشته و میزان انحراف مطلق از برابری در آن‌ها بیش از ۱۰ است. ایران در این دسته‌بندی در گروه ۵ قرار گرفته است. شاخص نابرابری جنسیتی (GII) نابرابری جنسیتی را در سه جنبه مهم توسعه انسانی شامل بهداشت باروری، توانمندسازی و مشارکت اقتصادی می‌سنجد. این شاخص نشان‌دهنده کاهش در پتانسیل بالقوه توسعه انسانی هر کشور به دلیل نابرابری جنسیتی است. مؤلفه‌های این شاخص نابرابری جنسیتی را مستقل از سطح توسعه‌یافتگی کشورها در نظر گرفته و در محاسبات نهایی وارد می‌کند. مقدار این شاخص از صفر به معنای برابری کامل زنان و مردان (نبود نابرابری) تا یک به معنای نابرابری حداکثری زنان و مردان در همه ابعاد تغییر می‌کند. هرچه عدد به دست آمده برای این شاخص بزرگ‌تر باشد، به معنای بیشتر بودن نابرابری جنسیتی در آن کشور است [۲۶]. مجمع جهانی اقتصاد^۲ نیز در سال ۲۰۰۶ شاخص جدیدی به نام شاخص شکاف جنسیتی^۳ (GGI) معرفی کرد. هدف از ارائه این شاخص فراهم‌شدن امکان بررسی مقایسه‌ای میزان کاهش شکاف جنسیتی بین کشورها و همچنین برای یک کشور در طول زمان بود. بر این اساس، این شاخص مستقل از سطح توسعه‌یافتگی کشورها محاسبه می‌شود. مقادیر به دست آمده از این شاخص نشان‌دهنده

۱. داده‌ها و گزارش‌های توسعه انسانی را می‌توان از این نشانی دانلود کرد: <http://hdr.undp.org/en/data>

2. World Economic Forum

3. Gender Gap Index (GGI)

میزان کاهش نابرابری جنسیتی بین زنان و مردان در ابعاد مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، دستاوردهای آموزشی، توانمندسازی سیاسی، سلامتی و بهداشت است. نکته دیگر، که در محاسبه این شاخص به آن توجه شده، این است که در رتبه‌بندی کشورها به میزان کاهش شکاف جنسیتی توجه می‌کند و نه توانمندسازی زنان. بنابراین، وضعیت ایده‌آل برای هر کشور وقتی است که فاصله‌ای بین وضعیت زنان و مردان در هیچ‌یک از مؤلفه‌ها وجود نداشته باشد؛ از این رو بهتر بودن وضعیت زنان از مردان در هیچ‌یک از مؤلفه‌ها، مثلاً در میزان ثبت‌نام مدارس، نکته مثبتی برای کشورها محسوب نمی‌شود. در این شاخص، بیشترین مقدار برابر یک به معنای برابری کامل و کمترین مقدار برابر صفر و به معنای نابرابری کامل است [۲۹].

یافته‌های پژوهش

تحلیل شاخص‌های وضعیت زنان در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا

در جدول ۱، مقادیر کسب‌شده در سه شاخص سنجش وضعیت زنان و رتبه‌های کشورهای منتخب، نسبت به همه کشورهای جهان مشاهده می‌شود.^۱ شایان ذکر است در این جدول کشورها براساس رتبه در شاخص توسعه انسانی مرتب شده‌اند.

نکته جالب توجه در گزارش توسعه انسانی در سال ۲۰۱۵ این است که بالاترین نمره در شاخص توسعه جنسیتی از سوی کشورهای لیتوانی، استونی، ونزوئلا، لاتویا و مغولستان به دست آمده است؛ به عبارتی، این کشورها بهترین رتبه‌ها را کسب کرده‌اند. مقادیر به دست آمده برای این شاخص در این کشورها بالاتر از یک است (به ترتیب برای لیتوانی، استونی و ونزوئلا ۱/۰۳۰، لاتویا ۱/۰۲۹ و مغولستان ۱/۰۲۸). در این رتبه‌بندی کمترین میزان شاخص را کشورهای افغانستان و پاکستان به دست آورده‌اند که در گروه ۵ توسعه جنسیتی قرار می‌گیرند. بین کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، فقط قطر در گروه ۱ توسعه جنسیتی قرار گرفته است. امارات متحده عربی، کویت و لیبی در گروه ۲، بحرین در گروه ۳، ترکیه، عربستان و عمان در گروه ۴ و بقیه کشورها در گروه ۵ قرار گرفته‌اند. ایران در بین ۱۶۰ کشور جهان در سال ۲۰۱۵ رتبه ۶۹ را در شاخص توسعه انسانی کسب کرده است، اما در شاخص توسعه جنسیتی رتبه ۱۳۷ را به دست آورده است. ایران در گروه‌بندی توسعه جنسیتی در گروه ۵ در کنار کشورهای لبنان، اردن، الجزایر، تونس، مصر، فلسطین، عراق، مراکش، سوریه، پاکستان، یمن، سودان و افغانستان قرار گرفته است.

۱. در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۵ سازمان ملل متحد، کشورها براساس شاخص توسعه جنسیتی رتبه‌بندی نشده‌اند. در این مقاله، برای ایجاد امکان مقایسه، طبق روال سال‌های گذشته کشورها براساس مقادیر کسب‌شده برای این شاخص رتبه‌بندی شدند.

جدول ۱. وضعیت زنان در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا براساس شاخص‌های بین‌المللی

نام کشور	رتبه HDI	نمره GDI 2015	رتبه GDI 2015	نمره GII ^۱ 2015	رتبه GII 2015	نمره GGI 2015	رتبه GGI 2015
قطر	۳۲	۰٫۹۹۸	۱۸	۰٫۵۲۴	۱۱۶	۰٫۶۴۵	۱۲۲
عربستان سعودی	۳۹	۰٫۹۰۱	۱۱۸	۰٫۲۸۴	۵۶	۰٫۶۰۵	۱۳۴
امارات متحده عربی	۴۱	۰٫۹۵۴	۷۶	۰٫۲۳۲	۴۷	۰٫۶۴۶	۱۱۹
بحرین	۴۵	۰٫۹۴۰	۹۹	۰٫۲۶۵	۵۱	۰٫۶۴۴	۱۲۳
کویت	۴۸	۰٫۹۷۲	۵۴	۰٫۳۸۷	۷۹	۰٫۶۴۶	۱۱۷
عمان	۵۲	۰٫۹۰۹	۱۱۳	۰٫۲۷۵	۵۳	۰٫۶۰۴	۱۳۵
لبنان	۶۷	۰٫۸۹۹	۱۱۹	--	--	۰٫۵۹۸	۱۳۸
ایران	۶۹	۰٫۸۵۸	۱۳۷	۰٫۵۱۵	۱۱۴	۰٫۵۸۰	۱۴۱
ترکیه	۷۲	۰٫۹۰۲	۱۱۷	۰٫۳۵۹	۷۱	۰٫۶۲۴	۱۳۰
اردن	۸۰	۰٫۸۶۰	۱۳۵	۰٫۴۷۳	۱۰۲	۰٫۵۹۳	۱۴۰
الجزایر	۸۳	۰٫۸۳۷	۱۴۰	۰٫۴۱۳	۸۵	۰٫۶۳۲	۱۲۸
لیبی	۹۴	۰٫۹۵۰	۸۳	۰٫۱۳۴	۲۷	--	--
تونس	۹۶	۰٫۸۹۴	۱۲۲	۰٫۲۴۰	۴۸	۰٫۶۳۴	۱۲۷
مصر	۱۰۸	۰٫۸۶۸	۱۳۳	۰٫۵۷۳	۱۳۱	۰٫۵۹۹	۱۳۶
فلسطین	۱۱۳	۰٫۸۶۰	۱۳۵	--	--	--	--
عراق	۱۲۱	۰٫۷۸۷	۱۵۳	۰٫۵۳۹	۱۲۳	--	--
مراکش	۱۲۶	۰٫۸۲۸	۱۴۵	۰٫۵۲۵	۱۱۷	۰٫۵۹۳	۱۳۹
سوریه	۱۳۴	۰٫۸۳۴	۱۴۱	۰٫۵۳۳	۱۱۹	۰٫۵۶۸	۱۴۳
پاکستان	۱۴۷	۰٫۷۲۶	۱۶۰	۰٫۵۳۶	۱۲۱	۰٫۵۵۹	۱۴۴
یمن	۱۶۰	۰٫۷۳۹	۱۵۸	۰٫۷۴۴	۱۵۵	۰٫۴۸۴	۱۴۵
افغانستان	۱۷۱	۰٫۶۰۰	۱۶۱	۰٫۶۹۳	۱۵۲	--	--

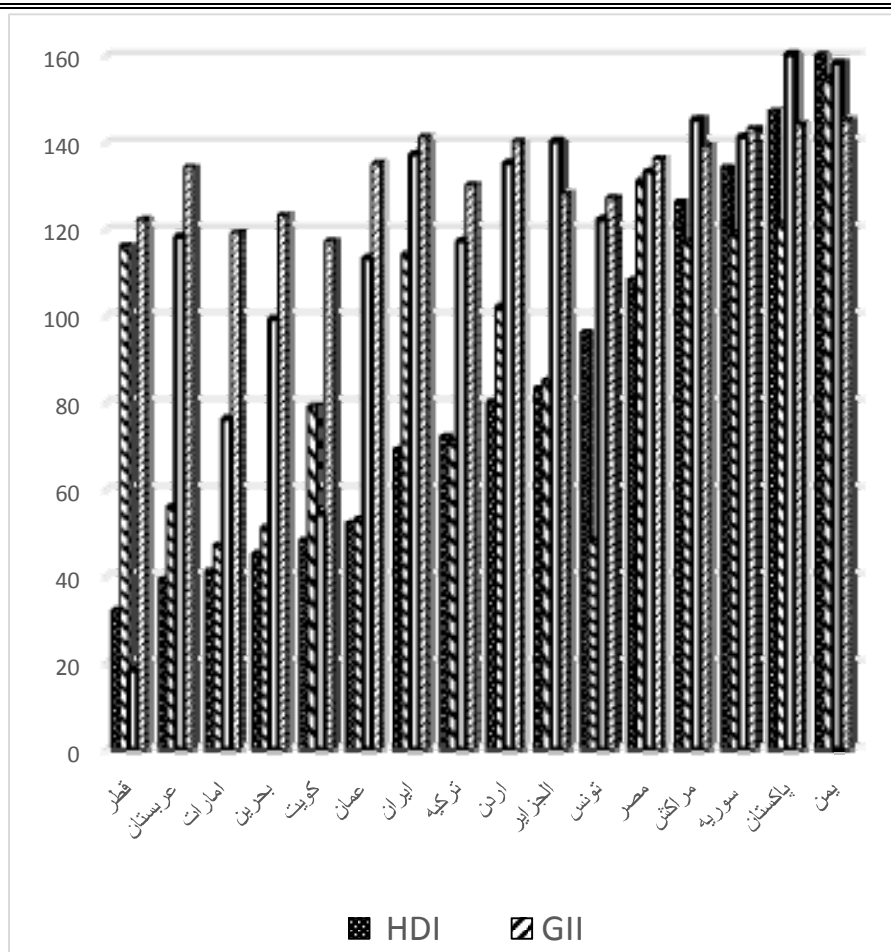
منبع: گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد سال ۲۰۱۵، گزارش شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۵

در سال ۲۰۱۵، از بین ۱۸۸ کشور جهان، کشورهای اسلوانی، سوئیس، آلمان، دانمارک و اتریش رتبه‌های ۱ تا ۵ را در شاخص نابرابری جنسیتی کسب کرده‌اند. به عبارتی، براساس این شاخص، این کشورها کمترین میزان نابرابری جنسیتی در دنیا را دارند. از طرفی، کشورهای یمن، نیجر، چاد و افغانستان بیشترین میزان نابرابری جنسیتی را دارند. ایران، در بین ۱۸۸ کشور، از نظر شاخص نابرابری رتبه ۱۱۴ را کسب کرده است. نمره شاخص نابرابری جنسیتی در ایران (۰٫۵۱۵) بیش از میانگین نمره شاخص جهانی نابرابری جنسیتی (۰٫۴۹۹) است.

۱. در تفسیر نمره به‌دست‌آمده برای شاخص نابرابری جنسیتی توجه شود که در این شاخص هر چقدر نمره کسب‌شده بزرگ‌تر باشد، آن کشور در طیف رتبه‌بندی، رتبه بالاتری کسب می‌کند. به عبارتی، مقادیر بزرگ‌تر نمره نابرابری جنسیتی به معنای بیشتر بودن نابرابری و کسب جایگاه پایین‌تری نسبت به سایر کشورهاست.

در شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۱۵ در بین ۱۴۵ کشور جهان، کشورهای ایسلند (با کسب نمره ۰/۸۸۱)، نروژ، فنلاند، سوئد و ایرلند بالاترین نمره‌ها را کسب کرده و در رتبه ۱ تا ۵ قرار گرفته‌اند به عبارتی، این کشورها در حذف شکاف جنسیتی بیش از سایر کشورها موفق بوده‌اند. همچنین، کمترین نمره و در نتیجه بالاترین رتبه‌ها به ترتیب از آن کشورهای یمن، پاکستان، سوریه، چاد و ایران است. بین کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا بهترین رتبه‌ها را کشورهای کویت و امارات متحده عربی کسب کرده‌اند، اگرچه آن‌ها نیز، مثل سایر کشورهای این منطقه، در یک‌سوم انتهایی طیف رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. بین کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا، در زیرمؤلفه مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، قطر با کسب رتبه ۹۷ و کویت با کسب رتبه ۱۰۴ در جایگاه بهتری نسبت به دیگر کشورها قرار گرفته‌اند. در زیرمؤلفه دستاوردهای آموزشی، مجدداً کویت با رتبه ۷۷ و عربستان سعودی با رتبه ۸۲ در زیرمؤلفه بهداشت و سلامتی، ترکیه با رتبه ۱ و سپس مراکش با رتبه ۹۵ در زیرمؤلفه توانمندی سیاسی زنان، الجزایر با رتبه ۵۵ و سپس تونس با رتبه ۶۹ وضعیت بهتری نسبت به دیگر کشورها دارند. ایران در بین ۱۴۵ کشور، در زیرمؤلفه مشارکت اقتصادی رتبه ۱۴۱، در زیرمؤلفه دستاوردهای آموزشی رتبه ۱۰۶، در زیرمؤلفه بهداشت و سلامت رتبه ۹۹ و در زیرمؤلفه مشارکت سیاسی رتبه ۱۳۷ را کسب کرده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، وضعیت ایران در زیرمؤلفه بهداشت و سلامت نسبت به سایر زیرمؤلفه‌ها در وضعیت بهتری قرار دارد و در زیرمؤلفه‌های مشارکت اقتصادی و سیاسی تقریباً در انتهای طیف رتبه‌بندی کشورهای جهان قرار می‌گیرد. شکل ۱ امکان مقایسه بهتر کشورها را فراهم می‌کند. در این نمودار کشورهای مطالعه‌شده براساس شاخص توسعه انسانی مرتب شده‌اند.

همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، در بعضی از کشورها تفاوت رتبه در توسعه انسانی با توسعه جنسیتی نسبتاً چشمگیر است. در صدر همه، عربستان سعودی، سپس امارات متحده عربی، بحرین، عمان، ایران، ترکیه و الجزایر قرار دارد. تفاوت زیاد بین شاخص توسعه انسانی و توسعه جنسیتی نشان می‌دهد که این کشورها اگرچه توانسته‌اند به‌طور کلی در مؤلفه‌های توسعه انسانی پیشرفت‌هایی کسب کنند، توجه به شاخص توسعه جنسیتی نشان می‌دهد که زنان از این توسعه بهره کمتری برده‌اند تا مردان. برعکس این رابطه در کشور قطر مشاهده می‌شود که رتبه آن در توسعه جنسیتی بسیار بهتر از رتبه‌اش در توسعه انسانی است؛ به این معنا که زنان نسبت به مردان در این کشور از توسعه در مؤلفه‌های اساسی زندگی انسان‌ها بیشتر بهره‌مند شده‌اند.



شکل ۱. شاخص توسعه انسانی و شاخص‌های وضعیت زنان در کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا

جدول ۲. گروه‌بندی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا برحسب شاخص‌های وضعیت زنان

قطر- کویت- امارات متحده عربی- لیبی	پایین‌ترین رتبه	شاخص توسعه جنسیتی
افغانستان- پاکستان- یمن- عراق	بالا‌ترین رتبه	
لیبی- امارات متحده عربی- تونس- بحرین	پایین‌ترین رتبه	شاخص نابرابری جنسیتی
یمن - افغانستان- مصر- عراق	بالا‌ترین رتبه	
کویت- امارات متحده عربی- قطر- بحرین	پایین‌ترین رتبه	شاخص شکاف جنسیتی
یمن - پاکستان- سوریه- ایران	بالا‌ترین رتبه	

رتبه کشورهای قطر و ایران در شاخص نابرابری جنسیتی بسیار بالاتر از رتبه این کشورها در شاخص توسعه انسانی است. لیبی به‌رغم اینکه در توسعه انسانی رتبه بالایی کسب کرده است، رتبه آن در شاخص نابرابری جنسیتی، بین سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، پایین‌ترین است. امارات متحده عربی تقریباً در همه شاخص‌های توسعه انسانی، نابرابری جنسیتی، توسعه جنسیتی و توانمندسازی جنسیتی، نسبت به سایر کشورها رتبه‌های پایین‌تری کسب کرده است. از این‌رو، می‌توان گفت زنان در این کشور نسبت به زنان در سایر کشورهای منتخب پژوهش، وضعیت و پایگاه مناسب‌تری دارند. جدول ۲، چهار کشور دارای بالاترین رتبه و چهار کشور دارای پایین‌ترین رتبه در سه شاخص وضعیت زنان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، کشور یمن در هر سه شاخص جزء ۴ کشوری است که بالاترین رتبه‌ها را به‌دست آورده‌اند. عراق، پاکستان و افغانستان در دو شاخص جزء بالاترین‌ها هستند و برعکس، کشورهای امارات متحده عربی جزء چهار کشوری است که در هر سه شاخص پایین‌ترین رتبه‌ها را کسب کرده است. به‌عبارتی، وضعیت زنان در امارات متحده عربی بهتر از وضعیت زنان در سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا است. قطر و کویت نیز در دو شاخص توسعه جنسیتی و شکاف جنسیتی و لیبی در دو شاخص توسعه جنسیتی و نابرابری جنسیتی، در پایین‌ترین رتبه‌ها قرار می‌گیرند.

برای شناسایی چگونگی تأثیرگذاری فرایند و برنامه‌های توسعه بر بهبود یا تضعیف وضعیت زنان در کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سال‌های اخیر، به بررسی روند^۱ تغییرات مقادیر کسب‌شده برای شاخص‌های مورد نظر از ابتدای سنجش شاخص‌ها تا سال ۲۰۱۵ می‌پردازیم.

جدول ۳ تغییرات مقدار سه شاخص سنجش وضعیت زنان را نشان می‌دهد. در دو شاخص توسعه جنسیتی و شکاف جنسیتی قدر مطلق ستون مقدار تغییرات، نشان‌دهنده میزان تغییر نمره شاخص در سال ۲۰۱۵ نسبت به سال مبدأ اندازه‌گیری است و جهت مثبت نشان‌دهنده بهبود شاخص وضعیت زنان در انتهای سال ۲۰۱۵ است. از آنجا که جهت سنجش شاخص نابرابری جنسیتی برعکس دو شاخص دیگر است، یعنی در هر کشوری که عدد کوچک‌تری برای شاخص کسب شده باشد نابرابری جنسیتی کمتر است، منفی بودن شاخص به معنای کاهش میزان نابرابری جنسیتی در آن کشور و در نتیجه مطلوب است.

۱. روند (trend) به معنای تغییرات تدریجی در میانگین یک متغیر در طول زمان است که در بررسی آن معمولاً به جهت و سرعت تغییرات توجه می‌شود. در این پژوهش، به منظور رعایت اختصار، از میزان تغییر مثبت یا منفی شاخص‌ها، که از تفاضل مقدار شاخص در مبدأ و مقصد زمانی حاصل می‌شود، برای اشاره به جهت تغییرات و پیشرفت یا پسرفت شاخص‌ها استفاده شده است.

روند تغییرات در شاخص توسعه جنسیتی

بین کشورهای منتخب پژوهش، یمن و افغانستان، طی بیست سال اخیر، از بیشترین میزان رشد در شاخص توسعه جنسیتی برخوردار شده‌اند. اگرچه میزان شاخص توسعه جنسیتی در سال ۱۹۹۵ در این دو کشور از همه کشورهای دیگر پایین‌تر بوده و در سال ۲۰۱۵ نیز در مقایسه با سایر کشورها، در پایین‌ترین طبقات قرار گرفته‌اند، در دو دهه اخیر شاهد رشد بیشتری بوده‌اند. شاخص توسعه جنسیتی در عمان از سال ۲۰۰۰ برخلاف سایر کشورها کاهش پیدا کرده است و در نهایت در سال ۲۰۱۵، به‌رغم روند روبه‌رشد آن، باز هم به میزان تقریبی ۰/۰۶ نسبت به سال ۲۰۰۰ کاهش داشته است. نکته درخور توجه در مورد کشور عمان این است که نمره این کشور در شاخص توسعه جنسیتی در سال ۲۰۰۰ از سایر کشورهای منتخب بالاتر بوده است و به‌رغم روند نزولی این شاخص، در سال ۲۰۱۵ جزء پنج کشور اول (با بالاترین نمره) در بین سایر کشورهای منتخب است. نمره شاخص توسعه جنسیتی در سایر کشورها، از سال ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۵، تقریباً به‌طور مرتب افزایش داشته است که به معنای بهبود مؤلفه‌های توسعه انسانی برای زنان و برخورداری بیشتر زنان از توسعه انسانی کشور است. بعد از عمان، میزان رشد شاخص توسعه جنسیتی به ترتیب در کشورهای اردن، ترکیه و ایران از سایر کشورها پایین‌تر بوده است؛ به‌طوری‌که شاخص توسعه جنسیتی در ایران از ۰/۶۱۱ در سال ۱۹۹۵ به ۰/۸۵۸ در سال ۲۰۱۵ رسیده است. به‌عبارتی، این شاخص در طی ۲۰ سال به اندازه ۰/۲۴۷ واحد رشد داشته است. در مقایسه با ایران، وضعیت زنان در کشور عربستان، رشد به‌مراتب بهتری داشته است؛ به‌طوری‌که گرچه در سال ۱۹۹۵ مقدار این شاخص ۰/۵۱۴ (پایین‌تر از مقدار این شاخص برای ایران در سال ۱۹۹۵) بوده است، در سال ۲۰۱۵ به عدد ۰/۹۰۱ (بالاتر از مقدار این شاخص برای ایران در سال ۲۰۱۵) افزایش یافته؛ یعنی مقدار شاخص ۰/۳۸۷ رشد داشته است. عربستان سعودی بعد از یمن و افغانستان و لیبی شاهد بیشترین میزان رشد در شاخص توسعه جنسیتی در بازه بیست سال اخیر بوده است. در سال ۱۹۹۵، بیشترین نمره در شاخص توسعه جنسیتی را کشور ترکیه کسب کرده بود (۰/۷۴۴)؛ در حالی‌که در سال ۲۰۱۵ بیشترین نمره به کشور قطر (۰/۹۹۸) و سپس کویت (۰/۹۷۲) تعلق دارد و ترکیه در جایگاه ششم قرار گرفته است.

روند تغییرات در شاخص نابرابری جنسیتی

بررسی نمره‌های شاخص نابرابری جنسیتی نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۰ کشورهای یمن، افغانستان، عربستان سعودی و عراق بالاترین نمره‌ها را کسب کرده‌اند، اما در سال ۲۰۱۵،

۱. نمره شاخص توسعه جنسیتی عمان در سال ۲۰۰۰ برابر ۰/۹۶۷ بوده است.

۲. توجه شود که در شاخص نابرابری جنسیتی، نمره‌های بالا نشان‌دهنده نابرابری جنسیتی بیشترند.

بالاترین نمره‌ها متعلق به کشورهای یمن، افغانستان، مصر و عراق است. در فاصله ۵ سال گذشته، عربستان سعودی بیشترین پیشرفت در شاخص نابرابری جنسیتی را کسب کرده است و از عدد ۰/۷۶۰ در سال ۲۰۱۰ به عدد ۰/۲۸۴ در سال ۲۰۱۵ (کاهش ۰/۴۷۶) رسیده است. بیشترین افت شاخص برای عربستان در فاصله سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۴ ایجاد شده است. بعد از عربستان سعودی، بیشترین پیشرفت از آن کشور امارات متحده عربی (کاهش ۰/۴۱۴) است. بیشترین افت شاخص برای این کشور در فاصله سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ ایجاد شده و بعد از آن با شیب کمتری ادامه یافته است. بعد از کشور امارات متحده عربی، کشورهای لیبی (کاهش ۰/۳۷)، تونس (کاهش ۰/۲۷۵)، ترکیه (کاهش ۰/۲۶۲)، بیش از بقیه کشورها در کاهش نابرابری جنسیتی موفق بوده‌اند.

در سال ۲۰۱۰، کشورهای کویت، لیبی، بحرین و تونس کمترین نمره را در شاخص نابرابری جنسیتی کسب کرده‌اند. نمره شاخص تقریباً در همه کشورها در سال ۲۰۱۱ افت درخور توجهی نشان داده است. کاهش شاخص از سال ۲۰۱۰ تا سال ۲۰۱۵ برای همه کشورها، به جز کویت، مشاهده می‌شود؛ اگرچه برای بعضی کشورها، مثل عمان و لبنان، بسیار کم است. شاخص نابرابری جنسیتی در کشور کویت، به‌رغم افت درخور توجه از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱، شاهد روند افزایشی تا سال ۲۰۱۵ بوده است. مشابه این الگوی تغییر در هیچ‌یک از کشورهای اسلامی دیگر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مشاهده نمی‌شود.

روند تغییرات در شاخص شکاف جنسیتی

براساس نمره‌های کسب‌شده در شاخص شکاف جنسیتی، کمترین میزان شکاف جنسیتی در میان کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۵ به ترتیب در امارات متحده عربی (۰/۶۴۶۰)، کویت (۰/۶۴۶۰)، قطر (۰/۶۴۵۰) و بحرین (۰/۶۴۴۰) و بیشترین شکاف جنسیتی در یمن (۰/۴۸۴۰)، پاکستان (۰/۵۵۹۰)، سوریه (۰/۵۶۸۰) و ایران (۰/۵۸۰۰) دیده می‌شود. در سال ۲۰۰۶، کشورهای کویت، اردن و قطر کمترین میزان شکاف جنسیتی را داشتند و بیشترین شکاف جنسیتی در کشورهای یمن، عربستان سعودی و پاکستان وجود داشت. ستون تغییرات در جدول ۳ نشان می‌دهد که نمره هر کشور در شاخص شکاف جنسیتی از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ چه اندازه و در چه جهتی تغییر کرده است. چنان‌که در جدول ۳ مشخص است، نمره کشورهای سوریه، اردن، لبنان و ایران در سال ۲۰۱۵، نسبت به سال ابتدای سنجش شاخص شکاف جنسیتی، افت کرده و نمره کشورهای عربستان سعودی، بحرین، امارات متحده عربی و مراکش بیشترین افزایش را داشته است. بیشترین میزان افت شاخص برای کشور سوریه (۰/۰۵۳۶) و بیشترین میزان افزایش شاخص برای کشور عربستان سعودی (۰/۰۸۰۸) دیده می‌شود.

ادامه جدول ۳. تغییرات شاخص‌های سنجش وضعیت زنان برای کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا

۰٫۳۰۲	-۰٫۰۰۰۳	-۰٫۰۱۷۹	Na	۰٫۲۰۴	Na	۰٫۲۷۷	Na	-۰٫۰۱۰۴
۰٫۴۳۰	۰٫۵۸۰۰	۰٫۵۹۳۰	Na	۰٫۵۹۹۰	Na	۰٫۶۲۴۰	Na	۰٫۵۹۸۰
۰٫۶۰۵۲	۰٫۵۹۳۳	۰٫۶۰۴۸	Na	۰٫۵۸۹۹	Na	Na	Na	۰٫۶۰۸۴
۰٫۶۰۱۸	۰٫۵۸۰۳	۰٫۶۱۰۹	Na	۰٫۵۷۸۶	Na	Na	Na	Na
-۰٫۱۸۱	-۰٫۱۵۹	-۰٫۱۴۳	Na	-۰٫۱۴۱	Na	-۰٫۲۷۵	-۰٫۳۷	-۰٫۰۵۵
۰٫۴۱۳	۰٫۵۱۵	۰٫۴۷۳	Na	۰٫۵۷۳	Na	۰٫۲۴۰	۰٫۱۳۴	۰٫۳۸۵
۰٫۳۹۱	۰٫۴۹۶	۰٫۴۸۲	Na	۰٫۵۹۰	Na	۰٫۲۶۱	۰٫۲۱۶	۰٫۴۳۳
۰٫۵۹۴	۰٫۶۷۴	۰٫۶۱۶	Na	۰٫۷۱۴	Na	۰٫۵۱۵	۰٫۵۰۴	Na
۰٫۳۲۹	۰٫۳۴۷	۰٫۱۲	-۰٫۱۱۴	۰٫۳۲۵	۰٫۲۵۳	۰٫۲۵۳	۰٫۴۱۶	۰٫۲۷۷
۰٫۸۳۷	۰٫۸۵۸	۰٫۸۶	۰٫۸۶	۰٫۸۶۸	۰٫۸۹۴	۰٫۸۹۴	۰٫۹۵۰	۰٫۸۹۹
۰٫۷۴۲	۰٫۷۷	۰٫۷۴۳	Na	Na	۰٫۷۵۲	۰٫۷۵۲	۰٫۸۳۰	۰٫۷۸۴
۰٫۷۰۶	۰٫۷۱۹	۰٫۷۴	Na	Na	۰٫۷۴۳	۰٫۷۴۳	Na	۰٫۷۴۵
۰٫۵۰۸	۰٫۶۱۱	Na	Na	۰٫۵۴۳	۰٫۶۴۱	۰٫۶۴۱	۰٫۵۲۴	۰٫۶۲۲
الجزایر	ایران	اردن	فلسطین	مصر	تونس	لیبی	لبنان	

ادامهٔ جدول ۳. تغییرات شاخص‌های سنجش وضعیت زنان برای کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا

سوریه	۰٫۵۷۱	۰٫۷۰۲	۰٫۷۱۵	۰٫۸۳۴	۰٫۷۶۳	۰٫۶۸۷	۰٫۵۵۱	۰٫۵۳۳	-۰٫۱۵۴	Na	۰٫۵۹۲۶	۰٫۵۶۸۰	-۰٫۰۵۳۶
مراکش	۰٫۴۵	۰٫۶۱۶	۰٫۶۲۵	۰٫۸۲۸	۰٫۳۷۸	۰٫۶۹۳	۰٫۴۴۴	۰٫۵۲۵	-۰٫۱۶۸	Na	۰٫۵۷۶۷	۰٫۵۹۳۰	۰٫۱۰۳
عراق	۰٫۵۲۳	Na	Na	۰٫۷۸۷	۰٫۲۶۴	۰٫۷۵۱	۰٫۵۵۷	۰٫۳۲۹	-۰٫۲۱۲	Na	۰٫۵۸۳۷	Na	Na
یمن	۰٫۳۰۷	۰٫۴۴۸	۰٫۵۳۸	۰٫۳۳۹	۰٫۴۳۲	۰٫۸۵۳	۰٫۷۴۷	۰٫۷۴۴	-۰٫۱۰۹	Na	۰٫۴۵۹۵	۰٫۴۶۰۳	۰٫۲۴۵
پاکستان	۰٫۳۶	۰٫۵۰۸	۰٫۵۳۲	۰٫۷۲۶	۰٫۳۶۶	۰٫۷۲۱	۰٫۵۶۷	۰٫۵۳۶	-۰٫۱۸۵	Na	۰٫۵۴۳۴	۰٫۵۴۶۵	۰٫۱۵۶
افغانستان	۰٫۱۶۹	Na	۰٫۳۱	۰٫۶	۰٫۴۳۱	۰٫۷۹۷	۰٫۷۱۲	۰٫۶۹۳	-۰٫۱۰۴	Na	۰٫۵۴۳۴	Na	Na

منبع: گزارش توسعهٔ انسانی سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۵، ۲۰۰۵، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳، ۲۰۱۵، گزارش شکاف جنسیتی مجمع جهانی اقتصاد سال ۲۰۰۶، ۲۰۱۰، ۲۰۱۵

خوشه‌بندی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا براساس

وضعیت زنان

در بخش دوم تحلیل در این مقاله، برای شناخت الگوهای متنوع کشورهای اسلامی منطقه براساس مقادیری که در سه شاخص بین‌المللی سنجش وضعیت زنان کسب می‌کنند، از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شد. به‌منظور انجام تحلیل خوشه‌ای برای کشف تعداد بهینهٔ خوشه‌ها، ابتدا روش تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی با روش خوشه‌بندی واردز^۱ و محاسبهٔ فاصله‌ها با روش

1. Ward's

مربع فاصله اقلیدسی^۱ به کار برده شد. سپس با روش تحلیل خوشه‌ای چندمیانگینی^۲، کشورهایایی که دارای الگوهای مشابه در نمره‌های سه شاخص بودند، شناسایی شدند و در خوشه‌های یکسان قرار گرفتند. شایان ذکر است که تحلیل‌ها روی نمره‌های کسب‌شده از سوی هر کشور در سال ۲۰۱۵ در هریک از سه شاخص و براساس گزارش‌های رسمی مربوطه انجام شده است. همچنین، قبل از انجام دادن تحلیل خوشه‌ای، داده‌های هر سه شاخص استاندارد شدند. از آنجا که رتبه‌بندی در شاخص نابرابری جنسیتی (GII) نسبت به دو شاخص دیگر معکوس است (نمره‌های کمتر، رتبه بهتری کسب می‌کنند) در تحلیل‌ها به جای نمره‌های GII از مقدار 1-GII استفاده شد. در تحلیل خوشه‌ای سلسله‌مراتبی، در مرحله اول مشاهده می‌شود که براساس ضرایب در جدول فهرست ترکیب^۳، ضریب در مرحله پانزدهم پرش زیادی پیدا می‌کند. تفاضل مرحله ماقبل از تعداد کل خوشه‌های ابتدایی، که در اینجا ۱۷ عدد بوده است، نشان‌دهنده تعداد خوشه‌های بهینه است (۳=۱۴-۱۷). بنابراین، روش سلسله‌مراتبی تعداد مطلوب خوشه را بین کشورها ۳ عدد پیشنهاد می‌دهد. در مرحله دوم، به منظور اطمینان از حداکثر تفکیک معنادار بین خوشه‌ها و براساس مطالعه الگوهای نمره‌ها در بخش توصیفی اکتشافی، تحلیل خوشه‌ای چندمیانگینی براساس ۴ و ۵ خوشه نیز انجام شد.

نتایج حاصل از خوشه‌بندی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا براساس شاخص‌های وضعیت زنان نشان می‌دهد کشورهای امارات متحده عربی، تونس، بحرین، عمان، عربستان سعودی، لبنان و ترکیه، در هر سه حالت خوشه‌بندی، در یک خوشه قرار می‌گیرند. همچنین، کشورهای اردن، ایران، سوریه، مصر، مراکش، پاکستان و عراق نیز در هر سه حالت خوشه‌بندی در یک خوشه قرار می‌گیرند. کشورهای قطر و کویت در حالت خوشه‌بندی سه‌گروهی، در کنار کشورهای امارات متحده عربی و تونس و... در یک خوشه قرار می‌گیرند. ولی در حالت خوشه‌بندی چهار و پنج گروهی، یک خوشه مجزای دوتایی را تشکیل می‌دهند. کشورهای یمن و افغانستان نیز در هر سه حالت خوشه‌بندی، یک خوشه مجزای دوتایی تشکیل می‌دهند. به عبارتی، وضعیت زنان در این دو کشور بیشترین شباهت را به هم و بیشترین تفاوت را با سایر کشورها دارد. کشورهای ترکیه، لبنان و الجزایر در خوشه‌بندی سه‌گروهی و چهارگروهی در کنار کشورهای امارات و تونس و... قرار گرفته‌اند، ولی در حالتی که خوشه‌بندی پنج‌گروهی باشد، این سه کشور، یک خوشه سه‌تایی مجزا را تشکیل می‌دهند. اگرچه وضعیت زنان در کشورهای امارات متحده عربی، تونس، بحرین، عربستان سعودی، عمان، ترکیه، لبنان و الجزایر شباهت زیادی باهم دارند، در صورتی که امکان تجزیه کل کشورها به گروه‌های بیشتری

1. squared euclidean distance
2. k-means cluster analysis
3. agglomeration schedule

وجود داشته باشد، وضعیت زنان در سه کشور ترکیه، لبنان و الجزایر در بین کشورهای این گروه شباهت بیشتری با یکدیگر دارند و تفاوت بیشتری با وضعیت زنان در سایر کشورهای همین گروه دارند؛ از این رو، از این گروه جدا می‌شوند و خوشه مجزایی را تشکیل می‌دهند. شکل ۲ خوشه‌بندی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا را براساس ۳، ۴ و ۵ خوشه نشان می‌دهد.



شکل ۲. خوشه‌بندی کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا براساس وضعیت زنان

کشورهای گروه ۱، که شامل قطر و کویت است، بیشترین میزان توسعه جنسیتی و کمترین میزان شکاف جنسیتی در بین کشورهای بررسی شده را دارند. در گروه ۲، کشورهای قرار گرفته‌اند که کمترین میزان نابرابری جنسیتی را دارند و بعد از کشورهای گروه ۱، کمترین میزان شکاف جنسیتی را دارند. در حالت پنج‌خوشه‌ای، که کشورهای لبنان، ترکیه و الجزایر از گروه ۲ جدا می‌شوند، نابرابری جنسیتی بیشتری از گروه ۱ و ۲ ولی کمتر از گروه ۴ و ۵ دارند. درعین حال، این کشورها مشابهت زیادی با کشورهای گروه ۲ دارند. در گروه ۴، که ایران را هم شامل می‌شود، میزان نابرابری جنسیتی نسبت به گروه‌های قبلی دچار جهش می‌شود و پس از ۳ گروه قبلی، میزان توسعه جنسیتی در آنها کمتر و شکاف جنسیتی بیشتر است. گروه ۵ شامل کشورهای یمن و افغانستان است که بیشترین میزان نابرابری و شکاف جنسیتی و درعین حال کمترین میزان توسعه جنسیتی را دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با تحلیل داده‌های سازمان ملل متحد و مجمع جهانی اقتصاد، به بررسی شرایط کنونی و سیر تغییرات وضعیت زنان در کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در دو دهه اخیر پرداخت. شاخص‌های توسعه جنسیتی و نابرابری جنسیتی، که از سوی سازمان ملل متحد ارائه می‌شوند، و شاخص شکاف جنسیتی از سوی مجمع جهانی اقتصاد به‌منزله معرف‌های وضعیت زنان در نظر گرفته شدند. هریک از این شاخص‌ها شامل چند بعد متفاوت از جنبه‌های زندگی زنانند که حاصل ترکیب جایگاه زنان در هریک از این ابعاد می‌تواند شاخص معتبری از وضعیت کلی زنان در آن جامعه باشد.

مهم‌ترین نتیجه به‌دست‌آمده در این پژوهش، این واقعیت را آشکار می‌کند که به‌رغم اینکه کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر رتبه در شاخص‌های وضعیت زنان نسبت به سایر کشورهای جهان، تقریباً وضعیت مشابهی دارند و می‌توان آن‌ها را در یک دسته قرار داد، روند تغییر این شاخص‌ها برای همه کشورهای اسلامی از الگوی یکسانی پیروی نمی‌کند، بلکه این کشورها از نظر سرعت کاهش نابرابری جنسیتی و حتی جهت تغییر در مقادیر شاخص‌ها در دو دهه اخیر الگوهای متفاوتی را تجربه کرده‌اند. در میان این کشورها، وضعیت زنان در امارات متحده عربی و بحرین در همه شاخص‌ها بهتر از سایر کشورهاست. بعد از آن‌ها، کشورهای کویت و قطر در جایگاه بعدی قرار می‌گیرند. در این میان، روند رشد شاخص‌های وضعیت زنان در کشور عربستان درخور توجه است. سرعت رشد شاخص‌های برابری جنسیتی در عربستان بیش از همه کشورهای منطقه است. درحالی‌که عربستان در هر سه شاخص توسعه جنسیتی در سال ۱۹۹۵، شکاف جنسیتی در سال ۲۰۰۶ و نابرابری جنسیتی در سال ۲۰۱۰ نسبت به ایران در جایگاه پایین‌تری قرار گرفته بود، در سال ۲۰۱۵ در همه این شاخص‌ها نمره بهتری از ایران کسب کرده و در جایگاه بالاتری قرار گرفته است. عربستان سعودی بیش از سایر کشورهای اسلامی منطقه موفق به حذف شکاف جنسیتی و نابرابری جنسیتی شده است. همچنین، در شاخص توسعه جنسیتی، بعد از یمن و افغانستان، شاهد بیشترین رشد در توسعه جنسیتی بوده است. از طرف دیگر، مشاهده می‌شود که کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا از جهت تناسبی که بین سه شاخص سنجش وضعیت زنان برقرار می‌شود با یکدیگر متفاوت‌اند؛ مثلاً، درحالی‌که در کشورهای قطر و کویت رتبه در شاخص توسعه جنسیتی به‌مراتب پایین‌تر از دو شاخص دیگر است، در کشورهای الجزایر، مراکش و یمن رتبه در شاخص شکاف جنسیتی پایین‌تر بوده و در مابقی کشورها رتبه کسب‌شده در شاخص نابرابری جنسیتی پایین‌تر از رتبه آن کشورها در دو شاخص دیگر است. همچنین، برای کشورهای ایران و سوریه و مصر رتبه کسب‌شده در هر سه شاخص تقریباً به هم نزدیک است؛ درحالی‌که، در بقیه کشورها تفاوت رتبه‌های کسب‌شده برای هر جفت از شاخص‌ها بیشتر است. تحلیل خوشه‌ای کشورهای موردنظر نیز نتایج بالا را تأیید

می‌کند. کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را می‌توان براساس وضعیت زنان در ۳ یا ۴ یا ۵ دسته جداگانه تقسیم‌بندی کرد. در حالی که بیشترین تفکیک را بین کشورها قائل می‌شود، یعنی در حالت دسته‌بندی پنج‌خوشه‌ای، لبنان، ترکیه و الجزایر در دسته پنجم، قطر و کویت در دسته چهارم، یمن و افغانستان در دسته سوم، ایران، سوریه، مصر، اردن، مراکش، پاکستان و عراق در دسته دوم و بقیه کشورها در دسته اول قرار می‌گیرند.

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، فضای سیاسی منطقه‌ای و سیاست‌گذاری‌های دولتی داخلی در تنزل یا ارتقای وضعیت زنان در جامعه تأثیرگذارند. از این‌رو، تحولات چندساله اخیر در منطقه خاورمیانه و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن بر ثبات اجتماعی و اقتصادی کشورها، امکان پیش‌بینی در مورد احتمال ایجاد تنوع بیشتر در الگوهای تغییر وضعیت زنان یا برعکس، کاهش تنوع و یکسان‌سازی کشورها، را دشوار می‌کند.

در این پژوهش، به‌منظور ترسیم تصویری کلی از وضعیت زنان در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، نمره‌ها و رتبه‌های نهایی هر یک از شاخص‌های وضعیت زنان تجزیه و تحلیل شدند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگری تحلیل‌های مشابهی به تفکیک بر روی زیرمؤلفه‌های آموزشی، سلامتی، اقتصادی و سیاسی هر شاخص انجام شود، زیرا این‌گونه تحلیل‌ها امکان شناسایی دقیق‌تر منابع شباهت و تفاوت کشورها برای انجام تحلیل‌های علی را فراهم می‌کند.

منابع

- [۱] افراخته، حسن. (۱۳۸۹). «نقش اقتصاد نفتی در موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان مورد: کشورهای مسلمان خاورمیانه». مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی دانان جهان اسلام (۲۰۱۰ ICIWG). زاهدان.
- [۲] باستانی، سوسن؛ اعظم آزاده، منصوره؛ مشتاقیان، مرضیه (۱۳۹۴). مقایسه شاخص‌های جنسیتی ایران با کشورهای جهان و منطقه. در فاطمه. جواهری، «گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۸۰-۱۳۹۰)» (ص. ۵۱۹-۵۴۷). تهران: نشر نی.
- [۳] پیت، ریچارد؛ هارت ویک، الین (۱۳۸۴). نظریه‌های توسعه، ج اول، ترجمه مصطفی ازکیا، رضا صفری شالی و اسماعیل رحمانپور، تهران: لویه.
- [۴] پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ پولاب، ام‌البنی (۱۳۸۸). «آینده پژوهی وضعیت اشتغال زنان در منطقه خاورمیانه با تأکید بر جایگاه ایران»، پژوهش زنان، ۷ (۳)، ص ۸۹-۱۰۶.
- [۵] فروتن، یعقوب (۱۳۸۷). «جامعه‌شناسی دین و جنسیت: بررسی نظری و تجربی با تأکید بر اشتغال زنان»، مجله مسائل اجتماعی ایران، ۶۳، ص ۱۰۷-۱۳۸.
- [۶] مامسن، جنت، هنشل (۱۳۸۷). جنسیت و توسعه، ترجمه زهره فنی، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

[7] Alexander, Amy. C., Welzel, Christian. (2011). *How Robust Is Muslim*

- Support for Patriarchal Values? A Cross-National Multi-Level Study*. Retrieved from Center for the Study of Democracy: <https://escholarship.org/uc/item/3db6b4ws>
- [8] Foroutan, Yaghoub. (2009). "Gender and Religion: The Status of Women in the Muslim World". In P. Beyer, & P. Clarck, *The World's Religion: Continuties and Transformations* (PP 223-235). London and New York: Routledge.
- [9] Foroutan, Yaghoub. (2015). *Misunderstood Population? Methodological Debate on Demography of Muslims in the West*. In Yearbook of International Religious Demography. Brill Publication. Retrieved In Press.
- [10] Haghighat, Elhum. (2013). "Social Status and Change: The Question of Access to Resources and Women's Empowerment in the Middle East and North Africa". *Journal of International Women's Studies*, 14 (1), PP 273-299.
- [11] Mason, Karen Oppenheim. (1986). "The Status of Women: Conceptual and Methodological Issues in Demographic Studies". *Social Forces*, 1 (2), PP 284-300.
- [12] Mason, Karen Oppenheim., Smith, Herbert. L. (2003). *Women's Empowerment and Social Context: results from five Asian countries*. Gender and Development Group, World Bank, Washington, DC.
- [13] Moghadam, Valentine. (1996). *Patriarchy and development: Women's positions at the end of the twentieth century*. Oxford University Press.
- [14] Moghadam, V. M. (2004). *Towards gender equality in the Arab/Middle East region: Islam, culture, and feminist activism*. Human Development Report Office. United Nations Development Programme (UNDP).
- [15] Moser , C., & Moser, A. (2005). "Gender mainstreaming since Beijing: A review of success and limitations in international institutions". *Gender & Development*, 13 (2), PP 11-22.
- [16] Obermeyer, Carla Makhluif. (1992). "Islam, Women, and Politics: The Demography of Arab Countries". *Population and Development Review*, 18 (1), PP 33-60.
- [17] Parpart, J. L., & Barriteau, E. (2000). *Theoretical perspectives on gender and development*. IDRC.
- [18] Price, Anne M. (2011). "Constraints and Opportunities: The Shaping of Attitudes Towards Women's Employment in the Middle East". (Doctoral dissertation, The Ohio State University).
- [19] Price, Anne M. (2014). "Differential Support for Women in Higher Education and Politics Cross-Nationally". *Comparative Sociology*, 13, PP 346-382.
- [20] Rørbæk, Lasse Lykke. (2015). "Islamic Culture, Oil, and Women's Rights Revisited". *Politics and Religion*, PP 1-23.
- [21] Ross, Michael L. (2008). "Oil, Islam and Women". *American Political Science Review*, 102 (1), PP 107-123.

- [22] Spierings, Niels. (2010). *The economics of Middle Eastern households and women's employment*: Understanding the patriarchal gender contract. Middle East Economics Association, 2010 International Conference. Istanbul, Turkey.
- [23] United Nations Development Programme (1995). *Human Development Report 1995*.
- [24] United Nations Development Programme (2005). *Human Development Report*: International cooperation at a crossroad.
- [25] United Nations Development Programme (2010). *Human Development Report 2010*, The Real Wealth of Nations: Pathways to Human Development.
- [26] United Nations Development Programme. (2015). *Human Development Report 2015*: Work for Human Development.
- [27] World Bank (2013). *Opening Doors*: Gender Equality and Development in the Middle East and North Africa.
- [28] World Economic Forum (2014). *The Global Gender Gap Report 2014*.
- [29] World Economic Forum. (2015). *The Global Gender Gap Report 2015*.
- [30] Youssef, N. H. (1971). "Social Structure and the Female Labor Force: The Case of Women Workers in Muslim Middle Eastern Countries". *Demography*, 8 (4), PP 427-439.